

فصل ۱۱

پس از اقداماتم برای بازگرداندن جوانان‌مان، رابطهای میان من و شخص ویژه‌ای در نوع خود، به نام میر کیلان ایجاد شد و او قلب مرا با ایده‌ای تسخیر کرد که مثل رؤیایی خیالی شنیده شد، اما ممکن است روزی محقق شود: گردشگران مسلمان به سوی اسرائیل. این ایده جسورانه مثل سیلی من را به سمت این کار شگفت انگیز برد و من باور دارم که می‌توان آن را به واقعیت تبدیل کرد، انقلابی در گردشگری اسرائیل ایجاد و شرایطی را فراهم کرد که در سیستم روابط میان ما و جهان اسلام قابل تصور نبودند.

کیلان، یهودی سنت‌گرا، معاون اسبق بازرسی کل در پلیس اسرائیل، سال‌های بسیاری به عنوان نماینده پلیس اسرائیل در «اینترپل» خدمت کرد. ایده گردشگران مسلمان به طور اتفاقی در واقع به دلیل موضوع غذای حلال، به

شرکت کرده بود به طور اتفاقی کنار او ایستاده و درخواست او را شنیده بود. او مۇدبانه رو به کیلان کرد و خودش را معرفی کرده و خواسته بود بداند خاصیت غذای حلال چیست. از این توضیح خوشش آمد و او هم غذایی برای پروازش سفارش داد. کیلان و همسفر پاکستانی‌اش روابط

شعب‌ها که با هم در لابی هتل نشست‌ه بودند، بارس کل پاکستانی به کیلان گفت: «این را بدان جهان اسلام به این دلیل نسبت به یهودیان احساس دشمنی می‌کند که آنها به مسلمانان اجازه نمی‌دهند تا آزادانه در حرم شریف قدس^۱ نماز بخوانند. شما ما را درک نمی‌کنید. ما نه

◆ **جهان اسلام که نزدیک به یک میلیارد انسان را شامل می‌شود، اکثراً روابط دیپلماتیک و تجاری با کشور اسرائیل برقرار نمی‌کند و نمایندگانش رابطه خصمانه‌ای با اسرائیل در مجامع مختلف بین‌المللی از خود نشان می‌دهند. در اورشلیم درک نمی‌کنند یا چنین چیزی را بروز نمی‌دهند که خصوصت مسلمانان تا حد زیادی ناشی از این احساس است که یکی از مقدس‌ترین اماکن اسلامی، مسجدالاقصی، در دستان بیگانه قرار دارد و تقریباً برای مسلمانان جهان دسترسی به آن وجود ندارد. تنها تعداد اندکی می‌دانند که مسجد ابراهیمی چهارمین مکان مقدس در اسلام است.**

◆

«امید و شکست» خاطرات سال‌ها فعالیت اطلاعاتی – امنیتی یعقوب نیمرودی برای اسرائیل – ۴۱

ژائران مسلمان به‌سوی اورشلیم



معاريو، ۲۵آوريل ۱۹۹۱
يعقوب نيمرودي، مير کپلان و عدنان خاشقي با هم توره‌اي اسلامي را تاسيس کردند

ذهنش خطور کرد و این چیزی است که اتفاق افتاد. سال ۱۹۸۶ زمانی که در کنفرانس سازمان «اینترپل» در شهر پاناما شرکت کرده بود، به یکی از شرکت‌های هواپیمایی رفت تا بلیطی برای نیویورک سفارش دهد و از متصدی درخواست کرد که طی سفر به او غذای حلال بدهند. فرمانده پلیس پاکستان که در همان کنفرانس

برای دیگر مسلمان‌ها هم دعا کنيد

پروردگار را بخوانيد که اسلام و اسلاميان را ياري کند. آن همه انسان، در لبنان گرفتارند و یک عدهٔ خبیث مرض جذامی که واقعاً نمی‌دانم دربارهٔ آنها چه بگویم، آنها را گرفتار کرده‌اند. شاید شما به آنجا نرفته باشید؛ ولی ما در سفر حج به آنجا رفتیم و دیدیم که مردم لبنان، بسیار زبینه‌د، اهل طاعت و خوب هستند. حالا این اسرائیلی‌ها بر سرشان مسلط شده‌اند و هیچ چیز هم نمی‌فهمند؛ هیچ چیز! عزیز من! باید دعايت را برای آنها صرف کنی.^[۱]

عنايت‌ها

این بخش، گزارش برخی هدایت‌ها و عنايت‌های بنده‌نواز الهی و سایه‌گستری ائمهٔ طاهرين بر محبّان حقیقی، والا و مخلص خویش است؛ عنايت‌هایی که کم و بیش در زندگی اولیای الهی دیده می‌شود و گاه به شکل استیجاب برخی دعاها، توفیق تشرّف به محضر معصومان؛ و پیش‌بینی برخی رویدادها، نمود می‌یابد. گفتنی است که به گفتهٔ برخی ارادت‌مندان آیت‌الله حق‌شناس، ايشان اهل اظهار کرامت نبوده و در نقل کرامات دیگران نیز مراقب بوده است. ايشان بیشتر به شیوهٔ زیستن افراد و نه گزارش کارهای شگفت آنها توجه داشته است. ايشان خود می‌فرمود: «این کرامت‌ها برای کسی که سیرِ اِلَیّی الله می‌کند، چیزی نیست و ارزشی ندارد».^[۲]

حجت‌الاسلام سید میرهاشم حسینی در این باره می‌گوید: متأسفانه برخی افراد، طوری مسئلهٔ ملاقات آیت‌الله حق‌شناس با امام زمان(علیه‌السلام) را مطرح می‌کنند که راه را برای مذهبیان دروغینی که ادّعا می‌کنند با امام جای می‌خوریم، باز می‌کند، در حالی که ايشان ملاقات با امام را به این اندازه اصلاً قبول نداشت. ايشان در طول پنجاه سال، حدود چهار مورد تشرّف خود را بیان و در جاهای مناسب تکرار می‌نمود. این ملاقات‌ها نیز معمولاً به هنگام اضطرار و قطع امید از همگان بوده که مقبول علماست.

خدايا! زندگي متوسط به او بده^[۳]

سال‌های اوّلی که در بازار مشغول بودم، آیت‌الله حق‌شناس در حق من دعایی کرد که بعداً معلوم شد برخی به ظاهر ناملایمات، مربوط به همان دعای ايشان می‌شود. قضیه‌اش هم این بود که سال ۱۳۵۰، مبلغ هشت هزار تومان برای ايشان بردم تا خمس آن را برآرد و به اصطلاح تطهیرش کند. من

عرب هستيم و نه فلسطيني؛ ما مسلمانيم. چرا شما این حق را از ما سلب می‌کنيد تا در سومين مکان مقدس اسلام نماز بخوانيم؟»
میر کیلان به دوستش اطمینان داد تا این موضوع را بررسی کند و با خودش فکر کرد که اگر این حرف‌ها درست باشند، اسرائیل رابطه با میلیون‌ها مسلمان را که علاقه‌مندند یک بار در عمرشان از بیت المقدس در اورشلیم دیدار کنند، از دست داده است. به نظرش رسید که در این تمایل فرصت‌های بسیاری برای تحکیم روابط با جهان اسلام، بهبود تصویر اسرائیل در سراسر جهان و همچنین کسب درآمد اقتصادی پنهان شده‌اند. او این موضوع را به طور کامل با نهادهای امنیتی بررسی کرد و با کمال تعجب پاسخ ساده‌ای دریافت کرد: هیچ مانعی برای راه‌اندازی گردشگری ژائران مسلمان به اسرائیل وجود ندارد. تمام آنچه که نیاز است، چراغ سبز از سوی دولت است.

کیلان پر از اشتیاق، آن موقع در مرخصی بدون حقوق بود. او به رئیس پلیس وقت، حیم بارلو مراجعه و از او مجوزی برای رسیدگی به این موضوع دریافت کرد. او برای این پروژه رئیس پلیس یعقوب لوینسون و دکتر ایلملی آلون مدرس فلسفه اسلامی در دانشگاه تل‌آویو، را به کار گرفت و هر سه با هم در سال ۱۹۸۵ شرکتی به نام «توره‌های اسلامی» را بنا نهادند، که هدف آن افزایش گردشگران مسلمان به مناطق مقدس در اورشلیم و دیگر اماکن تاریخی مرتبط با اسلام است.

کیلان شروع کرد به جریان انداختن جلسات متقاعدسازی با هر کسی که می‌توانست صحبت‌ها حلال می‌رفتند. این دوستی منجر به گفت وگوهای مصمیمانه در موضوعات مختلف، حتی در موضوعات مذهبی و اعتقادی، شد. یکی از وزیر امور اعراب بود، با مدیرکل وزارت امورخارجه

آبراهام تامیر، با نمرود نوبیک مشاور و دستیار شیمون پروز، با وزیر موشه شحل، با رئیس دفتر نخست‌وزیر یوسی بن آهارون، با دبیر هیئت دولت الیکیم روبینشتاین، با وزیر گردشگری گیدئون پات، بسا فرمانده کرانه باختری افرایم ستنه، با هماهنگ‌کننده فعالیت‌های دولت در منطقه ساموئل گورن، با مقامات ارشد حزب لیکود و در رأس آنها اریل شارون، دن مریدور، ایهود اولمرت و رونۃ میلو و طیف طویل دیگری از اشخاص نظامی و امنیتی ملاقات کرد.
همان‌طور که در قسمت قبلی توضیح دادم، او را از چند سال پیش می‌شناختم، وقتی که به همراه یونا باومل پدر سرباز مفقود زکریا باومل نزد من آمد و هر دو از من برای امر مقدس جست وجوی دیگر معقودین نبرد سلطان یعقوب طلب کمک کردند. کیلان، فردی جدی و پر اہبت با گفتاری آرام و مطمئن، طی مدت طولانی ایده گردشگران مسلمان به اسرائیل را پیش من شرح داد.

جهان اسلام که نزدیک به یک میلیارد انسان را شامل می‌شود، اکثراً روابط دیپلماتیک و تجاری با کشور اسرائیل برقرار نمی‌کند و نمایندگانش رابطه خصمانه‌ای با اسرائیل در مجامع مختلف بین‌المللی از خود نشان می‌دهند. در اورشلیم درک نمی‌کنند یا چنین چیزی را بروز نمی‌دهند که خصوصت مسلمانان تا حد زیادی ناشی از این احساس است که یکی از مقدس‌ترین اماکن اسلامی، مسجدالاقصی، در دستان بیگانه قرار دارد و تقریباً برای مسلمانان جهان دسترسی به آن وجود ندارد. تنها تعداد اندکی می‌دانند که مسجد ابراهیمی چهارمین مکان مقدس در اسلام در

شکی نیست که اگر اسرائیل اماکن مقدس اسلامی را مقابل جهان اسلام بگشاید، از این طریق فضای خوبی نزد کشورهای اسلامی و شهروندان‌شان ایجاد خواهد کرد و در بلندمدت خواهد توانست روابط سیاسی و تجاری با این کشورها را بهبود بخشد. من با تمام وجود، ظرفیتی عظیم اقتصادی نهفته در این ایده را درک کردم، اما بیش از هر چیز باور داشتم که از طریق این فرصت تکرارنشدنی انجام یکی دیگر از حیاتی‌ترین اقدامات برای اسرائیل مهیا شده است. همه افراد درگیر در پروژه متفق‌القول بودند که اگر این پروژه جامه عمل ببوشد، می‌تواند

چهره خاورمیانه را تغییر دهد.

پا‌نوشت‌ها:

۱- در عبری کوه معبد گفته می‌شود.

۲- همان‌طور که از اقدامات کنونی اسرائیل و خاطرات نیمرودی پیداست، رژیم غاصب صهیونیستی از هر فرصتی برای مشروعیت‌بخشی به حضور اشغالگرائانش استفاده می‌کند. پروژه عادی‌سازی روابط با اسرائیل مشروعیت‌بخشی به این رژیم جعلی یکبار از رهگذر مسائل اقتصادی و عقد قراردادهای تجاری دنبال می‌شود؛ یکبار از طریق مسائل ورزشی و انجام بازی‌ها دوستانه مذهبی و اقامه نماز در بیت‌المقدس. در تمامی این موارد و با رقابت در تورنمنت‌های بین‌المللی و یکبار هم از طریق مسائل مذهبی مانند بازدید مسلمانان از اماکن مقدس و اقامه نماز در بیت‌المقدس. در تمامی این موارد رژیم جعلی اسرائیل نه با نیت خیرخواهانه و از سر صلح دوستی؛ بلکه با هدفی سیاسی برای مشروعیت‌بخشی به حضور اشغالگرائانش در غرب آسیا و سپس پیشبرد اهداف صائبانه و جنایتکارانش وارد عمل می‌شود.

۳- در عبری غار میخایلا گفته می‌شود.

پاورقی

Research@kayhan.ir

مشکلات پارتیزان ریبوی همچنین در جلسه هیئت هماهنگی عملیات (OCB) درآوریل ۱۹۵۶ مورد بحث قرار گرفت. در پیگیری این موضوع با ارسال یادداشتی به کارکنان سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی آژانس اطلاعات ایالات‌متحده، OCB خواستار اقدام در مورد پیشنهادی برای کمک به افزایش درآمد پارتیزان ریبوی شد.بدون هیچ اشارهای به مشخصات نویسنده (که طبق گفته فیدلر به احتمال زیاد سیدنی هوک، عضو هیئت مشاوران و انتشارات پارتیزان ریبوی و «گوینده رسمی» مجله بود، نماینده OCB به طور کامل این پیشنهاد را نقل قول کرد، که این‌گونه آغاز می‌گردید:

«همان‌طور که می‌دانید، مدت‌هاست من از این واقعیت شکایت دارم که حمایت‌های ویژه بنیادها و دیگران اغلب برای مجلات جدید ترتیب داده می‌شود، اما مجلات قدیمی و پرکار در زمینه ضدکمونیسم، مانند نیو لیندر و پارتیزان ریبویو، با اصلا کمک نمی‌گیرند یا به اندازه کافی کمک دریافت نمی‌کنند.»

پیشنهاددهنده در ادامه گفت: پس از گفت‌وگو با ویلیام فیلیپس، به نظر می‌رسد که «وضعیت ایده‌آل این‌گونه خواهد بود»ا که کمیته آمریکایی آزادی

جنگ سرد فرهنگی: سازمان سیا در عرصه فرهنگ و هنر – ۱۸۱

تأمین مالی خاص از بنیاد راکفلر

است تصادفی بوده باشد، اما عجیب است که با وجود درخواست‌های مکرر برای کمک مالی، بنیاد راکفلر در طول ده سال گذشته همه درخواست‌های قبلی سردبیران مجله را رد کرده بود.

در اوایل سال ۱۹۵۸، ویلیام فیلیپس به پاریس سفر کرد، جایی که با مایکل جوسلسون ملاقات کرد تا درباره «اینده پارتیزان ریبویو» گفت‌وگو کند. در ۲۸ مارس ۱۹۵۸، فیلیپس نامه‌ای به جوسلسون نوشت تا از او جویا شود که «با برخی از چیزهایی که درباره آن‌ها صحبت کردیم، قابل انجام هستند یا خیر». در عرض چند ماه، کمیته آمریکایی آزادی فرهنگی- که از زمان تعلیق تحقیرآمیز و غیررسمی آن در ژانویه ۱۹۵۷ نیمه‌جان بود- تنها به منظور ایفای نقش به عنوان ناشر رسمی پارتیزان ریبوی احیا شد. ترتیبی که تا ده سال بعد از آن هم پایرجا ماند.

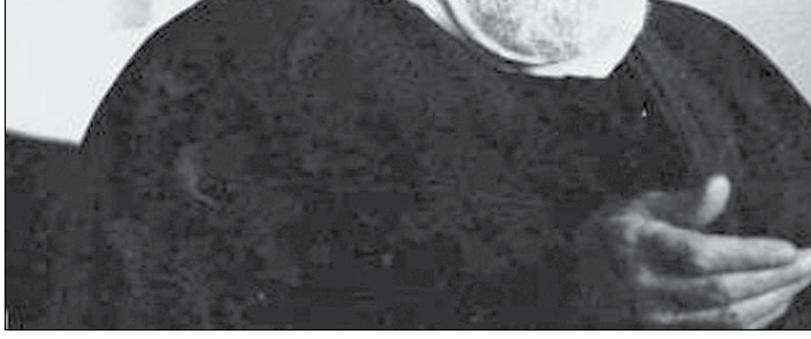
سیدنی هوک در این مورد به جوسلسون گفت «هیچ تمایل واقعی برای ادامه کمیته آمریکایی وجود ندارد، مگر برای تطبیق با پارتیزان ریبویو… فیلیپس به در عرض یک ماه، پارتیزان ریبوی توانست به الیزابت بیشاپ کمک مالی سخاوتمندانه‌ای معادل ۲۰۷۰۰ دلار اعطا کند. این پول از بنیاد راکفلر تأمین شد، به مبلغ ۴۰۰۰ دلار در سال برای سه سال، که به صورت بورسیه‌های ادبی توزیع می‌شد. این ممکن

◆

در عرض یک ماه، پارتیزان ریبوی توانست به الیزابت بیشاپ کمک مالی سخاوتمندانه‌ای معادل ۲۰۷۰۰ دلار اعطا کند. این پول از بنیاد راکفلر تأمین شد، به مبلغ ۴۰۰۰ دلار در سال برای سه سال

که به صورت بورسیه‌های ادبی توزیع می‌شد. این ممکن است تصادفی بوده باشد، اما عجیب است که با وجود درخواست‌های مکرر برای کمک مالی، بنیاد راکفلر در طول ده سال گذشته همه درخواست‌های قبلی سردبیران مجله‌ه را رد کرده بود.

به عمو نمی‌گفتید! گفتیم: ما نمی‌دانیم! حاج آقا خودش ضامن حرف خودش است. ما که نمی‌توانیم برای ایشان تعیین تکلیف کنیم. برادرم بعداً تعریف کرد که وقتی شما آن خبر را دادید، خیلی امیدوار شدم و دوباره هر تلاشی که به ذهنم می‌رسید، برای رفتن به این سفر معنوی انجام دادم؛ ولی متأسفانه نتیجه‌ای نداشت. صبح روز پرواز، همسرم را به فرودگاه بردم. وقتی ایشان را بدرقه کردم، موقع بازگشت به سمت منزل، حوالی میدان آزادی بسودم که یکی از دوستانم تماس گرفت و گفت: اگر می‌خواهی مشرف بشوی، دو ساعت وقت داری که فلان مبلغ را تهیه کنی و به من برسانی. این را هم تأکید کرد که باید همهٔ آن مبلغ به صورت

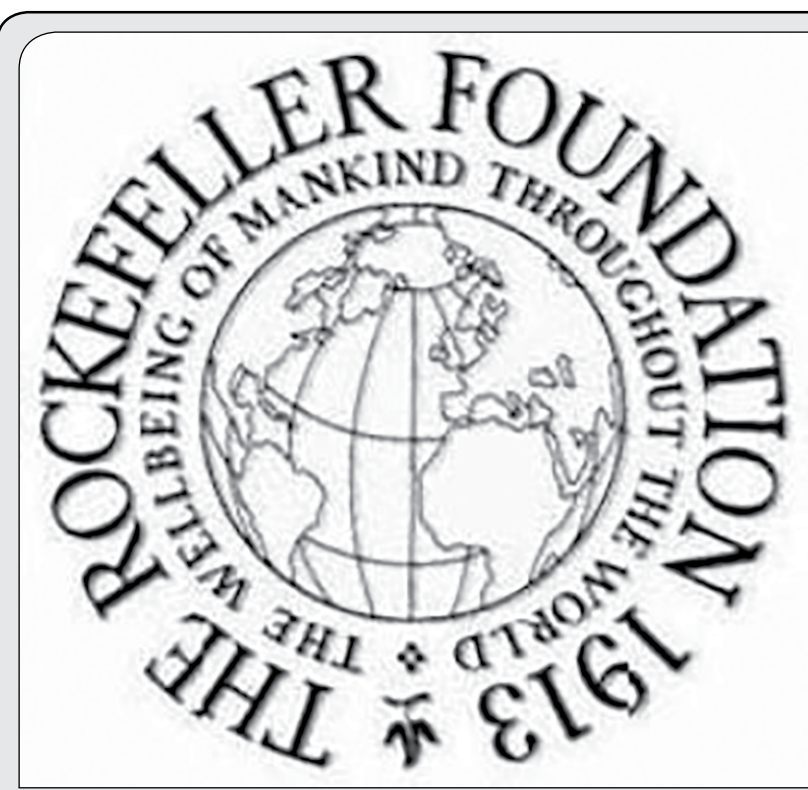


می‌شود!». با ایین که می‌دانستم کار مشکلی است، گفتم: به هر حال، اخوی ما که گونا‌هی را از شما دارند. ایشان معمولاً وقتی می‌خواست تفکر عمیق کند، دستش را جلوی صورتش می‌گرفت و فکر می‌کرد. چند لحظه‌ای به همین صورت فکر کرد و حتی پسرهایم از این که شاید این اتفاق بعد فرمود: «از قول من به ایشان بگویند که مشرف می‌شوید».

برای همین پرسید: چه شده؟ چرا این قدر پریشانی؟ وقتی جریان را برایش توضیح دادم، در کمال ناباوری گفت: من موجودی سیه‌چک دارم؛ شاید مشکلات با آنها حل شود. وقتی آورد، دیدیم دقیقاً معادل همان مبلغی است که لازم داشتم.

صفحه ۶

شنبه ۱۷ آبان ۱۴۰۴
۱۷ جمادی‌الاول ۱۴۴۷ – شماره ۲۳۹۹۹



هر دری می‌زند تا برای پارتیزان ریبوی کمک بگیرد. خود جوسلسون بعدها به یاد آورد: «کمیته کاملاً ناپدید می‌شد اگر در آخرین لحظه تصمیم نمی‌گرفت که به سردبیران پارتیزان ریبوی اجازه دهد از وضعیت معافیت مالیاتی آن استفاده کنند و از آن زمان تنها «قبالیت» کمیته این بود که به عنوان اسپانسر پارتیزان ریبوی ظاهر شود.» طبق این روایت، کمیته آمریکایی به پارتیزان ریبوی کمک مالی نمی‌کرد، بلکه یک راه قرار مالیاتی برای آن فراهم می‌کرد.

اما به گفته دانیل بل، «برای چندین سال، پارتیزان ریبوی حمایت‌های مالی مختلفی از کنگره آزادی فرهنگی دریافت کرد، به شکل اشتراک‌هایی که برای افراد خارج از کشور خریداری می‌شد و مجله را به صورت رایگان دریافت می‌کردند. تا جایی که من می‌دانم، این بودجزریزی نیز مخفی نگه داشته شد.» سرنویشت پارتیزان ریبوی اکنون به کنگره گره خورده بود، که از سال ۱۹۶۰ فروش مجله را به میزان ۳۰۰۰ نسخه در سال افزایش داد که توسط کنگره در خارج از ایالات‌متحده توزیع می‌شد. در همان زمان، کنگره کمک مشایبه به دیگر مجلات فرهنگی سطح بالایی که مدت‌ها با آن همکاری داشتند، ارائه کرد: «کتیون ریبوی» (۱۵۰۰ نسخه)، «هادسون ریبوی» (۱۵۰۰ نسخه)، «سبوانی ریبوی» (۱۰۰۰ نسخه)، «پوتری» (۷۵۰ نسخه)، «یادالوس» (۵۰۰ نسخه) و «ژورنال آو دهنستوری او یادآر» (۵۰۰ نسخه). خرید این نسخه‌ها سالانه ۲۰۰۰۰ دلار هزینه داشت. این برنامه ابتدا برای یک دوره سه‌ساله طراحی شده بود، و تعهد کلسی کنگره به این مجلات به ۶۰۰۰۰ دلار به علاوه ۵۰۰۰ دلار برای هزینه‌های اداری رسید. فردریک ولبرگ برای توزیع پارتیزان ریبوی در انگلستان قرارداد بست. همچنین به او پیشنهاد شد که اولین حق رد یا پذیرش را برای یک مجموعه مقالات پارتیزان ریبوی با عنوان «دنیای و مدرنیته» (برایش شده توسط فیلیپس و فیلیپ رهو) داشته باشد، که تقریباً تمام مشارکت‌کنندگان آن در یک مقطع با کنگره آزادی فرهنگی مرتبط بودند (از جمله کالستر، چپارومونت، مری مک‌کارتی و آلرد کازین).

در همان فرصت اندک، واریز پول‌ها و بقیّهٔ کارهای ثبت‌نام را انجام دادم و بالاخره با آخرین پرواز خجاج همراه مسئولان و کسانی که فرصت انجام مستحبات را نداشتند، مستقیماً به مکه مشرف شدم. در آنجا نیز به راحتی مقدمات ملحق شدن من به کاروانی که همسرم در آن حضور داشت، مه‌پا شد و به این ترتیب، برادرم در اثر دعای حاج آقا در کمال ناباوری، موفق شد با همسرش سفر حج را به جا آورد.^[۱]

رفع مشکل اشتغال

چند روز پیش، جمعه موقع سحر، مشرف خدم حرم حضرت عبدالعظیم. جوانی از خدام استخدامی حرم، همین که دید من سر قبر حاج آقا حق‌شناس نشسته‌ام، آمد کنارم و گفت: من چند سال پیش، آمدم مسجد امین الدوله… حرف او را قطع کردم و پرسیدم: مسجدی که می‌گوی، کجاست؟ می‌خواستم ببینم آدرس را درست می‌گوید! گفت: در بازار. در ادامه گفت: بعد از نماز، آمدم منزل حاج آقا در میدان هروی و از ایشان خواستم که دعا کنند که من استخدام بشوم. حاج آقا نگاهی به من کرد و فرمود: «برو، کارت درست می‌شود». می‌خواستم بیایم این جا در حرم حضرت عبدالعظیم(علیه‌السلام) استخدام بشوم که - الحمدلله - مشغول شدم.^[۱]

پا‌نوشت‌ها:

۱. مواظ: ۴ ص۱۴۸.
۲. به نقل از آقای علی قره‌گوزلو.
۳. در روایات، بهترین روزی، روزی کافی دانسته شده است (ر. ک: إرشاد القلوب: ص ۷۴). بر همین اساس، روزی اندک کافی، بهتر از فراوان غافل‌کننده دانسته شده است. رسول خدا ۹می‌فرماید: «إِنَّ مَا قَلَّ وَ كَفَى خَيْرٌ مِمَّا كَثُرَ وَ أَلْهَىٰ أُنْجَحُ مِمَّا يَافُشُ وَ ذَنْتُهُ خَيْرٌ مِّنْ أَنْ اسْتَكَرَّ فَارَوان باشد و بغریب» (الکافی: ج ۲ ص ۱۴۰ ع ۴).
کسی که خمس بدهکار است و نمی‌تواند یک‌باره آن را بپردازد، می‌تواند معادل آن را از مجتهد یا نماینده او قرض بگیرد و دوباره همان را به عنوان خمس بپردازد و سپس به تدریج، بدهی خود را برگرداند. ثمرهٔ این کار- که به آن «دست‌گردان» گفته می‌شود- این است که مبلغ خمس، به عنوان قرض به ذنّه شخص، منتقل می‌شود و او بدهکار خمس به حاکم می‌گردد. از ایین رو می‌تواند در اموالی که خمس به آنها تعلّق گرفته است، تصرف کند.
۵. به نقل از آقای محمّد مصلح حیدرزاده.
۶. احمد بهشتی فرزند اصغر، متولّد ۱۳۳۲ در تهران است که در تاریخ پنج مرداد ۱۳۴۷ در اسلام‌آباد غرب به شهادت رسید.
۷. به نقل از حجت‌الاسلام سید محمّد یوسفی.
۸. به نقل از دکتر وحیدرضا اشرفی.
۹. به نقل از آقای رضا مطلبی کاشانی.